

## رؤیت ماه<sup>۱</sup>

حاج دکتر نورعلی تابنده

بسم الله الرحمن الرحيم

مسأله ماه رمضان به عکس آنچه که به نظر می رسد هدف خدا باشد از تشریح روزه، تبدیل شده است. گرچه واقعاً نمی توانیم بگوییم که هدف خدا چیست ولی قاعدتاً یکی از اهداف آن که هدف مهمی برای زندگی ما هم هست ایجاد وحدت بین همه مسلمین است. از جمله اینکه هر کسی به روزه دار دیگری می رسد چون خودش گرسنه است می داند که او هم گرسنه است. این احساس، وحدت معنوی را می آورد؛ ولی متأسفانه در بین جوامع مختلف و در بین افراد مسلمین باعث تفرقه شده است. طبق مثل مشهور، خداوند ماه رمضان را می خواست که قاتق نانمان باشد قاتل جانمان شد. **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ؛** پروردگارا ببخش بر ما گناهایی که نعمت را عوض می کند و نعمت می کند.

---

۱. متن سخنرانی جناب آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجدوب علیشاه) در صبح پنجشنبه ۱۳۸۱/۹/۱۴ که به صورت خلاصه تحریر شده است.

امسال در اول ماه رمضان اختلاف بود که چهارشنبه اول ماه رمضان است یا پنجشنبه؛ ولی خوب، مسأله قابل حل بود به این معنی که افرادی که چهارشنبه روزه گرفتند اگر هم بعداً معلوم بشود چهارشنبه اول ماه رمضان نبوده روزه آنان مستحبی محسوب می‌شود. به هر جهت خدا نمی‌گذارد هیچ عملی که با نیت خیر از مؤمن صادر شده، هدر برود؛ به طریق اولی چه رسد به اینکه آن را گناه حساب کند؛ اما در برخی فتاوی بیان شده است که اگر کسی به نیت روز اول ماه رمضان روزه بگیرد و بعد معلوم شود که ماه رمضان نبوده، کار حرامی کرده است؛ البته اگر توضیح می‌دادند موضوع روشن می‌شد، به این نحو که کسی که خودش بگوید ماه رمضان است درحالی که به هیچ یک از طرق گفته شده به او ثابت نشده باشد و خودش بدون دلیل بگوید امروز ماه رمضان است، او کارش غلط است و مجازات می‌شود.

به او گفته می‌شود: «به تو چه که گفتی امروز ماه رمضان است یا ماه رمضان نیست»؛ ولی با این حال روزه اش طبق فرمایش خداوند در قرآن که *فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ*<sup>۱</sup>، اگر ذره‌ای نیکی کند در هر جا باشد آن را می‌آورد و حساب می‌کند، قبول می‌شود. البته فتوایی که سال گذشته آقایان دادند و در روزنامه‌ها هم نوشتند خیلی مشکل را حل کرد یعنی آنهایی که چهارشنبه روزه گرفتند (حالا چه ماه رمضان بوده چه نبوده است) عمل لغوی نکرده‌اند و اجر آنها نزد خدا محفوظ است.

حال این مشکل به آخر ماه رمضان هم منتقل شده است. البته در اول ماه رمضان مسأله قابل حل است چرا که به اصطلاح آن را "یوم الشک" نام گذاشته، روزه می‌گیریم؛ ولی در روز آخر ماه رمضان و در اینکه کی اول شوال است، در

۱. سوره زلزله، آیه ۷.

اینجا با مشکل مواجهیم. اگر اول شوال باشد یعنی ماه رؤیت شده باشد، روزه حرام است؛ ولی اگر آخر ماه رمضان باشد روزه واجب است. بین واجب و حرام نمی شود جمع کرد. بین واجب و مستحب، بین واجب و مکروه می شود جمع کرد. اما بین واجب و حرام درست نیست. پس تکلیف چیست؟ چنانکه مثلاً در دبی اعلام شد امروز پنجشنبه ماه رؤیت شده و عید است، حال ما در ایران چه کار کنیم؟ امروزه هواپیما از تهران به دبی را در یک ساعت طی می کند به نحوی که اگر امروز من ظهر از اینجا به طرف دبی حرکت کنم درحالی که روزه ام، روزه ام باطل نمی شود، ولی وقتی به دبی که عید اعلام شده رسیدم، فرضاً برایم چای آورند، چه باید کنم؟ اگر نخورم می گویند کار حرامی می کنی، چرا روزه ای؟ این عید که گفتم شاید برای وحدت ما مسلمانها تشریح شده، تبدیل می شود به تفرقه و به جای قاتق نان، قاتل جان می شود.

البته این مسأله را باید فقهای شیعه و سنی تحت نظر متخصصین و کارشناسان بررسی کنند و یک فکری برایش بنمایند. می گویند: اول ماه - چه ماه شوال و چه رمضان - با رؤیت ماه است. قدما حتی می گفتند: حرف منجمین هم در این خصوص قابل قبول نیست، البته آنها که می گفتند حرف منجمین هم قابل قبول نیست مرادشان از منجم کسی بود که از حرکت ستارگان و ماه و خورشید و... می گفت که برو فلان کار را بکن یا نکن. چنانکه می گویند علی علیه السلام می خواست جنگی برود؛ پا در رکاب کرده بود؛ منجمی آمد و عرض کرد: وقت نحس است و چنین و چنان است، نباید بروی. حضرت فرمودند: این حرفها را کنار بگذار. هیچ کس جز خدا غیب را نمی داند و رفتند. آن منجمها حرفشان قابل نیست. در قدیم هم منجم را از هیوی جدا می کردند. هیوی یعنی کسی که هیئت می داند. هیئت یعنی علم گردش به صورت ظاهری ماه و خورشید و ستارگان و...

این علم حساب ریاضی دارد که خورشید چه طور حرکت می‌کند، ماه چطور، آیا ماه فاصله کافی خواهد داشت از خورشید که دیده بشود یا نشود. هیئت این را حساب می‌کند. همان‌طور که مثلاً شما در دفتر تجارستان وقتی می‌خواهید یک صفحه را جمع بزنید، از منجم نمی‌پرسید جمع این صفحه چیست، در مورد حلول ماه همین‌طور است. شما با ماشین حساب آن صفحه را جمع می‌زنید و جوابش را می‌نویسید و آن جمع دیگر قابل اطمینان است؛ مگر اینکه ماشین حساب شما خراب باشد. آن وقت از ماشین حساب دیگری استفاده می‌کنید. اما ماشین حساب خدا که خراب نیست. فرمایش خدا است که لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ ۱: نه قبلاً نه بعداً خلافی، باطلی نمی‌آید. خداوند هم که خود می‌فرماید: عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ۲، همه چیزها را یاد بشر داده است. این است که دانشمندان اکنون دقیقاً حساب می‌کنند که خورشید کی غروب می‌کند، ماه کی غروب می‌کند. امروز مشخص شده که در مسأله رؤیت فاصله ماه و خورشید (یعنی خروج الشعاع) باید دوازده درجه باشد که اگر جلوی چراغ پرنوری یک شمع روشن کنند شما شمع را نمی‌بینید ولی آن چراغ را می‌بینید؛ حال اگر این شمع را همین‌طور دور بکنند به جایی می‌رسد که آن وقت می‌بینید؛ ماه و خورشید هم همین‌طور است. ماه نزدیک خورشید دیده نمی‌شود ولی همین‌طور که کم‌کم دور می‌شود، به یک فاصله دوازده درجه که رسید قابل رؤیت است. البته "قابل" رؤیت است ولی رؤیت شرایطی دیگری دارد که این را فیزیکدانها مطرح کرده‌اند؛ از جمله اینکه هوا چه‌طور باید باشد مثلاً ابری نباشد، انعکاس نور چه‌طور باشد و امثال اینها. وقتی همه این شرایط پیدا شد ماه قابل رؤیت است. این حسابها هم تا امروز کاملاً

---

۱. سوره فصلت، آیه ۴۲.

۲. سوره بقره، آیه ۳۱.

دقیق بوده است؛ کما اینکه خیام که در حدود هزار سال پیش بوده تمام خسوف و کسوفها را تا هزار سال بعدش پیش بینی کرده و هیچ کدامشان هم غلط نبوده است. این حساب دودو تا چهار تا است. اگر صورت حساب کارهای تجاریتان را با این ماشین حساب محاسبه کنید یک عددی درمی آید که با ماشین حساب دیگری هم، همان و با چرتکه هم همان عدد درمی آید؛ ولی آنکه دقیق تر است برای ما اهمیت دارد.

بنابراین اگر فقط رؤیت ماه را ملاک بگیریم این مشکلات پیش می آید؛ ولی ممکن است در آخر ماه رمضان از چند روز قبل هوا کاملاً ابری بود و اصلاً هیچ کس ماه را نتوانست ببیند و از هیچ جا هم خبری نداشت، او باید صبر کند تا وقتی پانزدهم ماه شد و ماه به صورت بدر کامل ظاهر شد، بگوید اول شوال است چون حالا ماه را دیدم. قرآن مجید می فرماید: *يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْاَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ*<sup>۱</sup>، از هلال از تو (پیغمبر) پرسیده اند. بگو که *هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ*، برای تعیین وقت است برای مردم و برای تعیین موقع حج (والْحَجِّ). پس به عنوان تعیین وقت است. حالا اگر به طریقی غیر از رؤیت هلال، حلول ماه ثابت شد نباید به آن اعتبار داد؟ در کتب و رساله های عملیه یک دسته می گویند که اثبات حلول ماه شوال یا ماه رمضان یا هر ماه دیگری به چند طریق است: یکی به این است که رؤیت هلال بشود و یکی هم به این که دو نفر شاهد عادل بگویند ما ماه را دیدیم. اگر در مورد اول، کسی خودش ماه را ببیند بر او حجّت است که مثلاً چون ماه اول ماه رمضان را دیده است، باید روزه بگیرد. ولی در مورد دو نفر شاهد عادل، اولاً عادل بودن در اینجا شامل امکان دیدن هم هست. کسی که از فاصله کوتاهی اشیاء را نمی تواند ببیند، اگر آمد شهادت داد که من ماه را دیدم، چه باید کرد؟ در مثنوی داستانی در

۱. سوره بقره، آیه ۱۸۹.

این باره دارد: در زمان عمر کسی حتی قسم هم خورد که من ماه را دیده‌ام و هیچ‌کس دیگر هم نمی‌گفت. ولی در عربستان که همیشه هوا صاف است بعداً معلوم شد که ماه نبوده بلکه موی ابروی او بوده و آن شخص اشتباه کرده است. حال اگر یک نفر گفت: من ماه را دیده‌ام، براساس قول او می‌توان نتیجه گرفت که فردا بی‌روزه باشیم؟ البته در زمان ما این وضعیت موجود نیست. زیرا اگر ماه را ببینند عده زیادی می‌بینند و چون وسایل ارتباطی فراوان است، مطلع می‌شویم. ولی در دوران قدیم یا در دهی که هیچ ارتباطی وجود ندارد وضع فرق می‌کند. الآن هنوز چنین دهاتی وجود دارد. مثلاً زمانی که من در مشهد تصدّی شغلی در دادگستری داشتم یک بار برای تحقیق محلی به دهی رفتم در هفت هشت فرسخی مشهد. در آنجا با پیرمردانی صحبت می‌کردم و غیر از انجام مأموریت، سعی می‌کردم از تجربیات آنان استفاده کنم. یکی از آنان گفت: آرزو دارم که حرم حضرت رضا را زیارت کنم. به او گفتم: تا به حال نرفتی؟ گفت: نخیر. درحالی که آن ده در فاصله هفت هشت فرسخی مشهد بود ولی با این وسایل نقلیه مثل اتومبیل و حتی دوچرخه هنوز به مشهد نرفته بود. حال در این ده اگر یک نفر ماه را دیده باشد، چه کار باید بکند؟ او هرچی داد بزند من ماه را دیدم، شهادتش کافی نیست و او درست همان روزی که همه ما روزه‌ایم به راحتی روزه می‌خورد و حق هم دارد که بخورد. آن یک نفری که دیده بر خودش حجت است و مثل مجتهدی است که تقلید برایش حرام است. او خودش هر نظری داشت باید اجرا کند ولو هیچ‌کس پیروش نباشد. از این رو در بعضی کتابها من دیده‌ام که بعضی از علما پیشنهاد کرده‌اند که شورای مرجعیت تعیین شود و تکلیفی تعیین بکنند که همه اجرا نمایند. دو طریق مذکور را همه معتقدند، لذا بیایند بگویند که اگر کسی ماه را رؤیت کند یا به هر وسیله دیگری به قول بعضی اطمینان و به قول بعضی دیگر

یقین پیدا شد که امروز اوّل ماه است، آن روز اوّل ماه باشد.

اما واقعاً به چه طریقی می شود یقین پیدا کرد به جز محاسبات نجومی؟ در اینجا اشتباهی که می شود این است که کسانی در مسائل شرعی فقط به لفظ و صورت معتقدند چنانکه اگر شخصی در نماز حواسش همه جا باشد ولی مثلاً در تعقیبات صد و ده مرتبه فلان کلمه یا عبارت را بگوید، می گویند نمازش کامل است و بهتر از نماز او، نمازی نیست. در حالی که او معنا را فراموش کرده، هدف را فراموش کرده، و وسیله و صورت ظاهری را چسبیده است. مثل اینکه اگر بخواهید به مشهد بروید، وقتی از اماکن باصفا که فراوان است رد می شوید همان جا توقف کنید و بگویید: به به همین جا خوب است و همان جا بنشینید. این وسیله است، واسطه است، هدف چیز دیگری است. رؤیت ماه هم همین طور. آن وسیله است. آن وقت عده ای دنبال این هستند که چطور رؤیت ماه را ثابت کنند. رؤیت ماه وسیله ای است برای اینکه معلوم شود کی ماه شوال است. خود آقایان هم گفته اند که به هر وسیله ای که یقین حاصل شود اعم از اینکه رؤیت ماه باشد یا هر وسیله دیگر که یقین حاصل شود. با این حال باز هم نمی گویند اثبات اوّل شوال و می گویند: از طرق اثبات رؤیت ماه. لطیفه ای است که می گویند کسی دید مردم استهلال می کنند. گفت: چه خبر است؟ گفتند: آمده اند هلال ماه را ببینند. بعد که هلال دیده شد، گفت: شما برای ماه به این کوچکی این قدر جمعیت جمع شده اید؟ در ولایت ما ماه به اندازه یک سینی بزرگ می شود ولی هیچ کس نگاهش نمی کند. رؤیت ماه که هدف نیست و الا در شب چهاردهم ماه خیلی قشنگ و قابل رؤیت است.

طریق دیگری هم که بعضی از آقایان علما در رساله ها گفته اند حکم حاکم شرع است که البته بعضی دیگر از آقایان آن را نپذیرفته اند و ظاهراً هم درست

نمی‌باشد. برای اینکه حکم حاکم شرع بر ما حاکم است نه بر خورشید و ماه، نه بر احکام خدا. اصولاً نباید در این خصوص بگوییم: "حکم حاکم شرع" بلکه باید بگوییم: "اعلام حاکم شرع"؛ تازه آن هم حجیت ندارد. به این معنا که از خیلی قدیم رسم مشکل‌گشایی است که کسی که ماه را رؤیت می‌کند به دفتر آقایان خبر می‌دهد که من ماه را رؤیت کردم. وقتی که چند نفر خبر دادند، آقای مرجع می‌فرماید که این مسأله بر من ثابت شد؛ ولی این حکم شرعی نیست، فتوی نیست. زیرا مقلد می‌تواند بگوید: مقدماتی که شما تکیه می‌کنید باید بر من هم ثابت بشود. آن دو نفری که به شما اطلاع دادند به من که نگفتند و لذا بر من ثابت نشده است. بنابراین این فتوایی نیست که لازم‌الاجرا باشد، اگر کسی مرجع تقلید انتخاب می‌کند، فتوهای او را باید انجام دهد. ولی این از مصادیق فتوا نیست. ایشان اعلام می‌کنند که این طور است.

این است که همه ما، از من عوام گرفته تا آن دانشمند عالی رتبه، همه توجه داریم که این امر باید باعث وحدت باشد. چرا این طوری باشد که در یک روز، من روزه را واجب بدانم ولی آن‌که در دبی است حرام بداند؟ تکلیف کسی که در همان روز از اینجا به دبی برود، چیست؟ تکلیف آن کسی که از دبی به اینجا بیاید چیست؟

درباره این مسأله پیشنهادات زیادی شده. یکی از پیشنهادات این است که هر وقت ماه در هر جای کره زمین که رؤیت شد، اعلام کنند که الان ماه رؤیت شده و از همان دقیقه در تمام کره زمین عید فطر باشد. این یک نظر است که البته خیلی هم بعید است که همه بپذیرند ولی یک نحوه راه حل است مبتنی بر اینکه درست است که در ماه رمضان حکم واجب روزه و در روز اول شوال (عید فطر) حکم حرمت آن هست، ولی در ضمن اینها، حکم واجب دیگری نیز مدنظر بوده است



و آن وحدت بین مسلمین است، حالا باید ببینیم که بسته به اوضاع جهان کدام واجب، واجب‌تر است؟ خود این نکته در حلّ مسأله راهنماست.

راه‌حلّ دیگری که پیشنهاد کرده‌اند، این است که در هر جا ماه رؤیت شد، آن اماکنی که در آن دقیقه برای آنها شب است – یعنی قبل از اذان صبح است که موقع روزه نیست – عید فطر حساب می‌شود. این هم یک مقداری مسأله را حل می‌کند ولی باز هم کره زمین را به دو قسمت می‌کند: آنجایی که شب است و آنجایی که روز است. البته آنچه متعارف است و با قواعد نجومی نیز منطبق می‌باشد این است که در هر جا ماه رؤیت شد، اماکن نزدیکش معتبر است. ولی مراد از نزدیکی اماکن چقدر است؟ بگوییم کرج به تهران نزدیک است یا نه؟ اسلام شهر نزدیک است یا نه؟ دقیق‌تر آن است که بگوییم هر جا ماه رؤیت شد، به طرف مغرب آن حجّت است و به طرف مشرقش، نه. یعنی اگر ماه در تهران رؤیت شد، برای مشهد، سبزوار، شاهرود، گناباد و... حجّت نیست ولی برای کرمانشاه، همدان و تبریز حجّت است. البته این طریق متداول فعلی است. ولی بدو باید به کمک متخصصین (ریاضی‌دانها، هیوی‌ها) بررسی کنیم که حلول ماه شوال یا رمضان از چه لحظه‌ای است؟ آیا به محض خروج ماه از مقارنه، شروع ماه است یا از خروج ماه از تحت الشعاع (خروج الشعاع) یا رؤیت هلال؟ سپس در مقام رفع اختلاف نظریه فقهی، علمی ریاضی اعلام فرمایند.